



کوروش زعیم

راه نشان دهم

در گوشه تاریخ اوین محبوسم در بند غم میهنم و عارم نیست
سرکوبگران خودنگر و مغرورند گوش شنوا به پند و گفتارم نیست
گفتند به من: تو راه کز پیش کنی جمهوری و حق بشری بارم نیست
باید که مطیع فقه و آیت باشی جز امر الهی ره و هنجارم نیست
گفتم که رهی که میروی مزموم است پایان خوشی بر آن پدیدارم نیست
گفتا که من از ولیّ آمرم و جز او هرگز سخن از کسی به گفتارم نیست
گفتم: پسرم، تو پور ایران هستی طاعت ز ولیّ رسم دلیرانم نیست
برخیز که تهدید و خطر در راه است طاعت ز ولیّ چه سود آر ایرانم نیست
گفتا: سخنت به دل نشسته، امّا مامورم و معذورم و آزارم نیست
گفتم: سخنم به عرش بالا برسان جز دفع خطر به فکر و اصرارم نیست
من راه نشان دهم چگونه بروید جز دولت مردمی به پندارم نیست

(سلول ۶۴ بند 209 زندان اوین- 85/7/29)